

# خلقت نوری امامان: در آثار شیخ صدوق

محمد نظری<sup>۱</sup>

## چکیده

خلقت نوری امامان: یکی از مباحث بسیار مهم کلامی است که آشنایی با آن، ما را با جایگاه واقعی امامان:، آشنا می‌کند. هرچند در آثار متکلمان، کمتر به خلقت نوری امامان:، پرداخته شده است ولی در روایات اهل بیت:، بازتابی فراوانی داشته است، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روایات موجود در آثار شیخ صدوق «ره»، این مسئله را بررسی کرد است. بر اساس مهم ترین یافته های این نوشتار، روایات زیادی در آثار شیخ صدوق «ره» موجود است که بر خلقت نوری امامان:، تأکید می‌کنند. براساس این روایات، امامان:، نخستین آفریدگان خداوند هستند که در عالم نور، به تسبیح و تقدیس خداوند مشغول بودند و منشأ آفرینش دیگر مخلوقات گردیدند، فرشتگان که بعد از آنان آفریده شده‌اند، تسبیح و تقدیس الهی را از آنان آموختند تا آنکه خداوند، نور امامان: را در صلب حضرت آدم قرار داد، در نهایت از طریق اصلاب پاکیزه و ار حام مطهره، پا به عالم دنیا گذاشتند.

## واژگان کلیدی

خلقت نوری، تقدیس الهی، منشأ آفرینش، نخستین مخلوق، شیخ صدوق.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته کلام اسلامی، تاریخ دریافت ۱۴۰۱/۹/۱۸- تاریخ تأیید ۱۴۰۱/۱۱/۱۱.

## مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم در علم کلام که نمونه های آن در فلسفه و عرفان اسلامی نیز دیده می شود، مسئله حقیقت نوری امامان معصوم است، سؤال که در این تحقیق مطرح است، این است که آیا آفرینش نوری امامان: همانند دیگر موجودات، منحصر به پیدایش جسمانی آن‌ها در عصر و زمان خاص خودشان است؟ یا علاوه بر خلقت ظاهری، از آفرینش دیگری به نام خلقت نوری نیز برخوردار هستند؟ همان خلقت که از آن با تعبیری مثل حقیقت محمدیه در عرفان، عقل اول در فلسفه اسلامی و به عنوان اولین مخلوق خداوند در علم کلام یاد می شود؟ در این تحقیق، خلقت نوری امامان: را، در آثار شیخ صدوق «ره» بررسی می کنیم. مرحوم شیخ صدوق «ره» برای اثبات ادعای خود، مبنی بر اینکه حقیقت نوری امامان:، اولین مخلوق عالم و سبب آفرینش دیگر مخلوقات است، به روایات زیادی استناد کرده است. در باره موضوع این تحقیق، پژوهش های انجام گرفته است، کتاب ها، مقالات و پایان نامه های، نوشته شده است، با این تفاوت که هر کدام از آنان نگرش خاص به خلقت نوری امامان: داشته است و نظرات مختلفی را بیان کرده اند، برخی از آنان، مقامات فوق بشری به امامان:، داده اند و برخی نیز، یکدیگر را به غلو یا تقصیر متهم کرده اند و برخی دیگر نیز در این میان جانب احتیاط را رعایت نموده و تلاش کرده اند تا در بین این دو دیدگاه، راه میانه را بی پیماید. از همین جهت است که به نظر می رسد، جای تحقیق که به صورت ویژه درباره خلقت نوری امامان علیهم السلام، انجام شده باشد، خالی است. آن چیزی که ما را به حقیقت می رساند و در این موضوع، از حیرت و سرگردانی نجات می رهد، مراجعه به سخنان خود امامان: است، همان چیزی که شیخ صدوق «ره» در آثار خودش به دنبال آن است و سعی می کند تا امامان: را، آن گونه که در روایات آمده است معرفی کند. گفتنی است که نویسنده، در این نوشتار، تنها روایات را که در آثار شیخ صدوق «ره»، راجع به خلقت نوری امامان: آمده است، بررسی نموده است، هرچند، دیدگاه های مخالف نیز وجود دارد که خلقت روح بدون بدن را غیرممکن می داند و اعتقاد به خلقت

نوری امامان: قبل از ابدان را، به غلات و حشویه نسبت داده‌اند، برای آگاهی بیشتر نسبت به دیدگاه‌های مخالف، خوانندگان عزیز را به کتب مفصل فلسفی ارجاع می‌دهیم، البته همان‌گونه که بعضی از فلاسفه اسلامی هم گفته است، در موضوع خلقت نوری امامان:، حق با دیدگاه شیخ صدوق «ره» است و روایات صحیحه زیادی نیز آن را تأیید می‌کنند که در این مقاله به آن پرداخته شده است. قبل از آن‌که خلقت نوری امامان: را در آثار شیخ صدوق «ره» بررسی کنیم، نگاهی به برخی از واژگان کلیدی در بحث و ضرورت بحث از شناخت امامان:، می‌اندازیم.

### مفهوم شناسی

بر اساس روایات متعدد که در آثار شیخ صدوق «ره» آمده است اولین مخلوق، نوری پیامبر گرامی اسلام<sup>۹</sup> و امامان: معرفی شده است. بدین معنا که خلقت نوری آن‌ها قبل از آفرینش دیگر موجودات انجام شده‌اند. «خلق» در این نوشتار به معنای آفریدن، ایجاد کردن، ابداع نمودن است.<sup>۱</sup> راغب اصفهانی خلق را در مورد خداوند به معنای ایجاد چیزی جدید دانسته که اصل و ما به ازاء نداشته باشد، اما خلق به معنای آفرینش و ایجاد چیزی از چیزی را هم در مورد خداوند و هم در مورد دیگران صحیح دانسته است.<sup>۲</sup> در مورد خلقت نوری امامان:، نیز معنای دوم استفاده شده است، آن‌گونه که در روایات آمده است، پروردگار متعال آن‌ها را از نور خودش به‌عنوان حلقه وصل برای صدور فیض و خلقت موجودات دیگر آفریده است. «نور» به معنای ذات و ماهیتی است که خودش آشکار و آشکارکننده دیگر اشیاء است.<sup>۳</sup> راغب اصفهانی «نور» را بر دو قسم معنوی و محسوس تقسیم کرده است؛ قسم معقول و معنوی آن، مانند نور عقل و نور قرآن، بادید بصیرت قابل درک است اما قسم محسوس آن با چشم سر قابل مشاهده بوده و از اجسام نورانی مثل خورشید و ماه، ستارگان و اشیاء نورانی

۱. احمد بن محمد، فیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۹۸.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۲۹۶.

۳. همان، ج ۲، ص ۳۴۱.

دیگر منتشر می‌شوند.<sup>۱</sup> خداوند در قرآن، خود را نور آسمان‌ها و زمین معرفی کرده است **اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**.<sup>۲</sup> به همین معنا در روایات متعدد، خلقت انبیاء و امامان؛ نیز، برگرفته از نور خداوند دانسته شده است.

### ضرورت بحث از شناخت امامان:

شناخت انبیاء الهی و امامان معصوم: به‌عنوان حجت‌های الهی، پس از معرفت خداوند، از مهم‌ترین وظایف یک انسان مؤمن و متدین است. به‌اندازه‌ای که در روایت امام صادق<sup>۷</sup>، هدایت و ضلالت انسان در گرو شناخت و عدم شناخت خداوند، پیامبر<sup>۹</sup> و امامان: دانسته شده است.<sup>۳</sup> شناخت امامان:، دارای مراحل و مراتب مختلف است، اولین و اساسی‌ترین شناخت که زمینه را برای شناخته‌ای بعدی فراهم می‌کند، شناخت خلقت نوری امامان: است، اگر خلقت نوری امامان:، به‌خوبی برای ما حل شود، آن‌وقت ویژگی‌های دیگر امام، مثل علم، عصمت، ولایت تکوین و تشریحی و ... نیز روشن خواهد شد. پس با این پرسش آغاز می‌کنیم که آیا خلقت و آفرینش امامان:، همانند دیگر انسان‌ها است؟ یعنی در تاریخ و زمان مشخص به دنیا آمده‌اند؟ یا اینکه بر اساس نظام طولی و علی معلولی مطرح در فلسفه و عرفان اسلامی و آنچه از برخی روایات بر می‌آید، آن‌ها از خلقت نوری برخوردار بوده‌اند و نور آن‌ها به‌عنوان اولین مخلوق الهی از نور خداوند صادر شده است؟

پاسخ اجمالی این است، آنچه از روایات موجود در آثار شیخ صدوق «ره» بر می‌آید، امامان معصوم: از خلقت نوری برخوردار هستند، هرچند کیفیت خلقت نوری آن ذوات مقدس به دلیل محدودیت بُرد عقلانی ما و سعه وجودی آنان، کاملاً روشن نیست، اما در حد توضیح اجمالی جهت روشن شدن دیدگاه شیخ صدوق «ره» به آن اشاره می‌کنیم.

۱. همان، ص ۸۲۸.

۲. سوره نور، آیه ۳۵.

۳. «اللَّهُمَّ عَرَفْنِي نَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي» (محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۳۷).

## نور امامان: به عنوان اولین مخلوق

در آثار شیخ صدوق «ره» روایات متعدد وجود دارد که ارواح نورانی پیامبر اکرم<sup>۹</sup> و امامان معصوم: را اولین مخلوق خداوند معرفی کرده‌اند. البته روایاتی که در آثار شیخ صدوق «ره» وجود دارد و نور امامان: را به عنوان اولین مخلوق معرفی می‌کنند، چندگونه است:

۱- برخی از این روایات، تنها رسول خدا<sup>۹</sup> را، اولین مخلوق می‌دانند، بدون این‌که به خلقت فرد دیگر از اهل بیت:، اشاره کرده باشد<sup>۱</sup>.

۲- در چندین روایت حضرت محمد<sup>۹</sup> و امیرالمؤمنین علیه‌السلام، نخستین مخلوق معرفی شده‌اند<sup>۲</sup>.

۳- در روایات دیگر، علاوه بر پیامبر و امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین:، نیز به عنوان کسانی ذکر شده‌اند که قبل از خلقت دنیا آفریده شده‌اند<sup>۳</sup>. از جمله در زیارت جامعه کبیره که از معتبرترین زیارات به شمار می‌آید و شیخ صدوق «ره» آن را در دو کتاب مهم خود، من لایحضره الفقیه و عیون اخبار الرضا آورده است، چنین آمده است: خَلَقَكُمُ اللَّهُ نُورًا ... بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتَمُ<sup>۴</sup>. خداوند شمارا به صورت نور آفرید... و به وسیله شما آغاز کرد و به وسیله شما به پایان می‌رساند. همین مضمون در روایتی از امام رضا<sup>۷</sup> از اجداد طاهرنش، از رسول خدا<sup>۹</sup> آمده است که حضرت فرمود: أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا...<sup>۵</sup> نخستین چیزی که خداوند خلق کرد ارواح ما بود... در این روایت روح امامان:، نخستین آفریده خداوند به حساب آمده است، از روایت بعدی نیز روشن خواهد شد که مراد از نور در این روایات، همان ارواح مطهر ایشان است. شیخ صدوق «ره» در کتاب کمال‌الدین و تمام النعمه روایتی را از

۱. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، الخصال، ج ۲، ۴۸۲.

۲. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۰۹.

۴. همو، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۵، همو، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۶.

۵. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲.

همو، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۵.

امام سجاد<sup>۷</sup> نقل می‌کند که حضرت فرمود: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى خَلَقَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الْأَحَدَ عَشَرَ مِنْ نُورِ عَظْمَتِهِ أَرْوَاحًا فِي ضِيَاءِ نُورِهِ يَعْبُدُونَهُ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ يَسْبِحُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَقْدُسُونَهُ وَ هُمُ الْأَئِمَّةُ الْهَادِيَّةُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ** به راستی خداوند تبارک و تعالی محمد و علی و یازده تن ائمه را از نور عظمت خود آفرید، ارواحی بودند که در پرتو نورش پیش از آنکه خلق را بیافریند، او را می‌پرستیدند، تسبیح خداوند می‌کردند و تقدیس او می‌نمودند و آنان امامان هدایت‌کننده از خاندان محمد<sup>۹</sup> هستند. شیخ صدوق «ره» در ذیل این روایت می‌گوید: این خبر به لفظ دیگر هم روایت شده است، جز آنکه آنچه شنیدم همین است که ذکر کردم<sup>۱</sup>. پس مراد از نور ائمه که اولین مخلوق می‌باشد، همان روح ایشان است.

البته روایات دیگری، چه در آثار شیخ صدوق «ره» و چه در مجامع روایی دیگر، وجود دارد که عقل، آب و امور دیگر را نخستین آفرینش می‌داند، در توجیه و جمع بین این روایات آقای سید هدایت الله مسترحمی، در ترجمه علل الشرایع، مطلبی را بیان کرده است که در اینجا می‌آوریم:

در بعضی از اخبار است که اول ما خلق الله لوح و در بعضی قلم و در بعضی عرش و در بعضی روح رسول خدا و در بعضی نور و در بعضی عقل و در بعضی هوا و در بعضی آب و در بعضی مشیت و آنچه به خاطر من می‌رسد این است که مجموع این روایات را می‌شود چنین توجیه کرد: هر یک از این‌ها نسبت به چیز دیگر، اول ما خلق الله هستند، مثلاً نسبت به کلیه عوالم وجود، از اول تا آخر، نور وجود مقدس رسول خدا<sup>۹</sup> اول ما خلق الله است، درحالی‌که انوار ائمه: توأم با نور آن حضرت بوده و نسبت به آن کسانی که وحی به ایشان می‌شود از قبیل ملائکه و بعضی از مخلوقات دیگر مانند زنبور عسل و غیره، لوح اول ما خلق الله است و نسبت به کسانی که از طرف خداوند وحی را می‌رسانند، امثل جبرئیل و ملائکه دیگر، قلم اول ما خلق الله است و نسبت به عالم علوی، عرش و نسبت به عالم سفلی و عناصر، آب اول ما خلق الله است. این مطلب را

۱. همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲. همان.

روایت ششم باب ۷۷ همین کتاب (علل الشرایع) نیز تأیید می‌کند و نسبت به مجردات و روحانیین عقل، اول ما خلق الله است، چنان‌که در حدیث دهم، باب ۹۶، همین کتاب دیده می‌شود، نسبت به اجسام لطیفه، هوا و نسبت به کلیه افعال الهی پس از خلقت نور وجود مقدس خاتم الأنبیاء مشیت اول ما خلق الله است. حضرت صادق<sup>۷</sup> فرموده: خلق الله المشیة بنفسها ثم خلق الاشیاء بالمشیة، خداوند مشیت را خلق فرمود و تمامی اشیاء را به مشیت آفرید. ۱

پس از مجموع این روایات معلوم می‌شود که قبل از انوار معصومین، مخلوقی وجود نداشته است، نور پیامبر اکرم<sup>۹</sup> و امامان علیهم السلام، اولین آفریده‌های خداوند هستند.

### حقیقت نور امامان:

بعد از آنکه خلقت نوری امامان علیهم السلام، ثابت شد و روشن گردید که، نور امامان: نخستین آفریده خداوند است، سؤال می‌شود که حقیقت این نور چیست؟ آیا همان روح است؟ یا جسم است؟ آیا مجرد است؟ یا همراه با جسم است؟ در روایات زیادی آمده است که مراد از نور امامان علیهم السلام، همان روح آنان است، از جمله روایتی است که شیخ صدوق «ره» از امام رضا<sup>۷</sup> از اجداد طاهرینش، از رسول خدا نقل کرده است که حضرت فرمود: **أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَرْوَاحَنَا... ثُمَّ خَلَقَ الْمَلَائِكَةَ فَلَمَّا شَاهَدُوا أَرْوَاحَنَا نُورًا وَاحِدًا اسْتَعْظَمُوا أَمْرَنَا...** ۲ اولین چیزی که خداوند آفرید، ارواح ما بود... آنگاه ملائکه را آفرید، سپس وقتی روح ما را به شکل یک نور دیدند از امر ما به عظمت یاد کردند. در این روایت تصریح شده است که مراد از نور امامان، همان روح آنان است، در ضمن آن که تصریح شده است، همین روح، اولین مخلوق خداوند است. روایت دیگر از امام صادق<sup>۷</sup> نقل شده است که فرمود: **إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ أَرْبَعَةَ**

۱. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرائع-ترجمه مسترحمی، ص، ۲۲.

۲. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرائع، ج ۱، ص ۵، همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۵.

عَشْرَ نُورًا قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ بِأَرْبَعَةِ عَشَرَ أَلْفَ عَامٍ فَهِيَ أَرْوَاحُنَا...<sup>۱</sup> خداوند تبارک و تعالی، چهارده هزار سال قبل از آفرینش مخلوقات، چهارده نور آفرید. پس آن‌ها ارواح ما بودند. بعد راوی سؤال کرده است که یابن رسول الله، مراد از آن چهارده نور چه کسانی هستند؟ حضرت فرمود: محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از فرزندان حسین که آخر آن‌ها حضرت قائم (عج) است. در این روایت نیز علاوه بر آنکه، نور امامان: را نخستین آفریده خداوند معرفی نموده است، تصریح می‌نماید که مقصود از نور، همان روح امامان: است.

### شیخ نوری و فعالیت امامان:

بعد از آن که معلوم شد، نور امامان علیهم السلام، اولین مخلوق هستند و مراد از نور هم ارواح مطهر ایشان است. سؤال که ممکن است مطرح شود این است که روح آدمی در این دنیا بر بدن مادی، تعلق می‌گیرد و فعالیت می‌کند، روح و نور امامان: قبل از خلقت مادی آنان به چه تعلق گرفته است و چگونه فعالیت می‌کرده‌اند؟

شیخ صدوق «ره» در دو جا از کتاب علل الشرایع روایتی را نقل می‌کند که در آن تصریح شده است، این انوار، به صورت اشباحی نورانی بوده‌اند و در همین قالب اشباح از نور مشغول تسبیح و تهلیل و تحمید خداوند بودند.

حبيب بن مظاهر می‌گوید از امام حسین <sup>۷</sup> سؤال کردم: أَيُّ شَيْءٍ كُنْتُمْ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ ع قَالَ كُنَّا أَشْبَاحَ نُورٍ نَدُورُ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَتُعَلِّمُ الْمَلَائِكَةَ التَّسْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّحْمِيدَ<sup>۲</sup> پیش از آن‌که خداوند آدم <sup>۷</sup> را بیافریند شما چه بودید و کجا بودید؟ حضرت فرمودند: ما شیخ‌های نوری بودیم که اطراف عرش خالق رحمان دور می‌زدیم و به فرشتگان تسبیح (سبحان الله) گفتن و تهلیل (لا اله الا الله) گفتن و تحمید (الحمد لله) گفتن را یاد می‌دادیم.

روایتی دیگر را معاذبن جبل، از نبی مکرم اسلام <sup>۹</sup> نقل کرده است که فرمود: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَنِي وَ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ قَبْلَ

۱. همان، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳.



أَنْ يَخْلُقَ الدُّنْيَا سَبْعَةَ آلَافِ عَامٍ قُلْتُ فَأَيْنَ كُنْتُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُدَّامَ الْعَرْشِ نَسِيحَ اللَّهِ تَعَالَى وَنَحْمَدُهُ وَنُقَدِّسُهُ وَنُجَمِّدُهُ قُلْتُ عَلَيَّ أَيُّ مِثَالٍ قَالَ أَشْبَاحُ نُورٍ حَتَّى إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَخْلُقَ صُورَنَا صَيَّرْنَا عَمُودَ نُورٍ ثُمَّ قَذَفْنَا فِي صَلْبِ آدَمَ ثُمَّ أَخْرَجْنَا إِلَى أَصْلَابِ الْأَبَاءِ وَ أَرْحَامِ الْأُمَّهَاتِ...<sup>۱</sup> رسول خدا<sup>۹</sup> فرمودند: خداوند عز و جل هفت هزار سال قبل از آفرینش دنیا من و علی و فاطمه و حسن و حسین را آفرید.

معاذین جبل می گوید: عرضه داشتم: ای رسول خدا، شما پیش از آفرینش دنیا کجا بودید؟ حضرت فرمودند: جلو عرش بودیم و خدای تعالی را تسبیح نموده و می ستودیم و تقدیس و تمجیدش می کردیم. عرض کردم به چه هیئت و شکلی بودید؟ حضرت فرمودند: شبیهایی از نور بودیم تا اینکه حق تعالی اراده کرد، صورت ما را بیافریند لذا ما را عمودی از نور نمود و در صلب جناب آدم قرار داد، پس از آن ما را به اصلاب پدران و ارحام مادرانمان درآورد...

از این دو روایت به خوبی روشن می شود که نور امامان، موجودات زنده و فعال بودند که در قالبی، به نام شیخ، مشغول تسبیح، تقدیس و تهلیل خداوند بودند و این قالب نوری به طور حتم، بدن مادی نبوده و بدن مادی ائمه: بعدها آفریده شده است، اصلاً آن سرا سرایی مادی نبوده است. ممکن است قالب یاد شده بدن مثالی ایشان باشد.

### خلقت امامان : از نور خداوند

از روایات گذشته، روشن شد که نور امامان، اولین مخلوق خداوند بودند که به صورت زنده و فعال، در قالب اشباح، مشغول تسبیح و تهلیل خداوند بودند. اکنون پرسش که ممکن است مطرح شود، آن است که آیا ایشان مستقیماً، بدون کدام اصل و منبع و منشأ، به عنوان نور خلق شده اند؟ یا از چیزی دیگری به عنوان نور خلق شده اند؟ مراد از اولین مخلوق بودن نور امامان، کدام است؟ تعداد زیادی از روایات موجود در آثار شیخ صدوق «ره»، دلالت دارند بر اینکه خلقت امامان، از نور دیگری بوده اند. البته بعضی از آن روایات، بدون آنکه

آن نور منشأ را توصیف کرده باشد، از آن به نور واحد یاد کرده است «خُلِقْتُ أَنَا وَعَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ»<sup>۱</sup> من و علی از یک نور خلق شدیم. ولی اکثر از روایات، نور خداوند را منشأ خلقت نور امامان، معرفی کرده‌اند.<sup>۲</sup> گاهی از این نور خداوند، به «نورالانوار» یاد شده است، نوری که همه نورها از اوست،<sup>۳</sup> گاهی از آن به «نورمبتدع» نام برده‌اند، نوری که از چیزی دیگری خلق نشده است<sup>۴</sup> و گاهی هم از آن نور الهی، به «نور رحمت» یاد کرده است «خَلَقَهُمْ مِنْ نُورِهِ وَرَحْمَتِهِ»<sup>۵</sup>. حالا که معلوم شد، نور امامان، دارای منشأ بوده‌اند و از نور خداوند خلق شده‌اند، ممکن است این پرسش مطرح شود که اگر نور امامان، از نور دیگری خلق شده باشند، پس اولین مخلوق نخواهند بود؟ در حالی که تا هنوز، صحبت از آن بود که نور امامان، اولین مخلوق خداوند است؟ وجه جمع بین این دو مضمون «اولین مخلوق بودن و خلقت از نور دیگر» می‌تواند این باشد، همان‌طور که در مفهوم شناسی، واژه خلقت هم بیان شد و از عبارات خود این روایات هم پیداست، مقصود از خلقت، در روایاتی که امامان علیهم‌السلام را، (اول ما خلق الله) معرفی می‌کنند، خلقت از چیز/ خلق من شیء است و در مقابل، مقصود از خلقت نوری که نور امامان، از آن آفریده شده است، خلقت ابداعی و خلق لامن شیء است. پس امامان، نخستین مخلوق بودند که از نور خداوند، آفریده شده‌اند و مضمون این دو نوع روایت، کاملاً از هم جداست و هیچ اختلاف ندارند.

### زمان خلقت نور امامان:

بعد از آنکه حقیقت نور امامان، معلوم شد و روشن گردید که نور امامان، از نور خداوند آفریده شده‌اند، ممکن است سؤال شود که نور امامان، در چه زمان، آفریده شده‌اند؟ و زمان دقیق آفرینش آنان چه زمانی بوده است؟

۱. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲. همو، الخصال، ج ۱، ص ۳۱، همو، الامالی، ص ۲۳۶، همو، معانی الاخبار، ص ۳۹۶.

۳. محمدبن یعقوب بن اسحاق، کلینی، الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۴۲.

۴. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵. همو، التوحید، ص ۱۶۷.

هرچند در باره موجودات مجرد و غیرمادی، همانند خلقت نوری امامان، صحبت از زمان و مکان به اصطلاح دنیایی معنا ندارد، چون آفرینش نوری امامان، در عالم بدون زمان و مکان بوده است، اساساً تعیین زمان برای آن بی معنا است، با وجود این، برخی از پژوهش گران به پیروی از روایات، کلمه زمان را برای خلقت نوری امامان، به کار برده اند و هرکدام زمان خاص را برای آفرینش نور امامان، معین کرده اند، البته خود این روایات هم با همدیگر هم مضمون نیستند که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می کنیم. در روایتی آمده است که خداوند در وحدانیت خود متفرد بود، سپس محمد<sup>۹</sup> و علی و فاطمه را خلق کرد و ایشان «هزار دهر / الف دهر» مکث کردند تا آنکه خداوند همه اشیاء را آفرید، در برخی روایات، این اتفاق، دو هزار سال قبل از حضرت آدم<sup>۲</sup> و در روایت دیگر دو هزار سال قبل از آفرینش دیگر مخلوقات، دانسته شده است<sup>۳</sup> در روایتی معاذ بن جبل از رسول خدا<sup>۹</sup> خلقت نوری پنج تن آل عبا: را هفت هزار سال قبل از آفرینش دنیا بیان کرده است<sup>۴</sup>. چنانچه در روایت دیگر، خلقت نور امامان: چهارده هزار سال قبل از خلقت آدم بیان شده است<sup>۵</sup> و در روایت دیگر، خلقت امیرالمؤمنین، چهل هزار سال قبل از حضرت آدم بیان شده است<sup>۶</sup> چنان که روشن است این روایات با هم دیگر هم نوا نیستند و یک زمان خاص را نشان نمی دهند، شاید بتوان، این اعداد و ارقام را نشان از کثرت دانست، چنان که در بعضی از روایات هم به زمان مشخصی اشاره نشده است و تنها خلقت نوری امامان: را، قبل از حضرت آدم<sup>۷</sup> و حتی طبق برخی از روایات قبل از خلقت فرشتگان، آسمانها، زمین، عرش و لوح بیان کرده است<sup>۸</sup>. حاصل آنکه از مجموع

۱. محمد بن یعقوب بن اسحاق، کلینی، الکافی، کلینی، ج ۱، ص ۴۴۱.
۲. محمد بن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳۴.
۳. همان، ص ۱۷۴.
۴. همان، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.
۵. همو، الخصال، ج ۲، ص ۶۴۰.
۶. محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۹.
۷. عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): أَوْلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي فَفَتَقَ مِنْهُ نُورَ عَلِيٍّ ثُمَّ خَلَقَ الْعَرْشَ وَاللَّوْحَ وَالشَّمْسَ وَضَوْءَ النَّهَارِ وَنُورَ الْأَبْصَارِ وَالْعَقْلَ وَالْمَعْرِفَةَ (همو، ج ۵۴، ص ۱۷۰).

این روایات، روشن می‌شود که نور امامان، در عالم انوار، بدون بدن و به صورت روح همراه با جسم مثالی بوده‌اند که از آن به «شیخ نوری» یاد می‌کنند و قبل از عالم ماده و آفرینش حضرت آدم و دیگر مخلوقات، به‌عنوان اولین مخلوق، از نور خداوند خلق شده‌اند، غیرازاین، زمان خاص را نمی‌توان برای آن مشخص کرد.

### تسبیح خداوند و تعلیم بر ملائکه

شیخ صدوق «ره» معتقد است که امامان، به‌عنوان حجت‌های الهی، از نظر خلقت پیش از فرشتگان و از نظر افضلیت برتر از آنان و معلم فرشتگان بوده‌اند، ایشان در آثار مختلف خودش، بیان کرده است که امامان، بعد از خلقت نخستین خود، مشغول تسبیح و تهلیل خداوند بودند و به‌تنهایی این عبادت را انجام می‌دادند تا آنکه خداوند ملائکه را آفرید. ملائکه با مشاهده تسبیح و تمجید امامان، چگونگی آن را از ایشان یاد گرفتند، البته روایت دیگر، بیانگر آن است که امامان، عامدانه و آگاهانه تسبیح و تهلیل الهی را به ملائکه آموزش می‌دادند، یعنی امامان، برای تعلیم و یادگیری ملائکه حمد و تسبیح خداوند را انجام می‌دادند تا ملائکه حمد و تسبیح خداوند را یاد بگیرند و اگر امامان، این کار را انجام نمی‌دادند، ملائکه از معرفت به خداوند عاجز بودند.<sup>۱</sup> این همان چیزی است که فرمایش امام سجاد و امام حسین نیز آن را تأیید می‌کند، شیخ صدوق «ره» در روایت دیگر از امام سجاد و پدر گرامی ایشان، آورده است که فرمودند: **كُنَّا أَشْبَاحَ نُورِ نَدْوَرٍ حَوْلَ عَرْشِ الرَّحْمَنِ فَنَعَلِمُ الْمَلَائِكَةَ التَّسْبِيحَ وَ التَّهْلِيلَ وَ التَّحْمِيدَ**.<sup>۲</sup> ما اشباحی از نور بودیم که حول عرش خداوند می‌چرخیدیم، پس به فرشتگان، تسبیح و تهلیل و تحمید را یاد می‌دادیم.

روایت دیگر را شیخ صدوق «ره» در همین موضوع، از امام رضا<sup>۷</sup> از پدرانش

۱. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۳۴ و ۲۰۹، همو، معانی الاخبار، ص ۵۰ و

۳۶۹، همو، الخصال، ج ۲، ص ۴۸۲ و ۴۸۳، همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۶۶۹.

۲. همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. محمدبن علی بن بابویه، شیخ صدوق «ره»، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۳.

از نبی مکرم اسلام<sup>۹</sup> نقل می‌کند که امیرالمؤمنین<sup>۷</sup> از حضرت پرسید: آیا شما برتر هستید یا جبرئیل؟ حضرت فرمود: یا علی خداوند پیامبران مرسل خود را بر ملائکه مقرب خود برتری داده است و مرا بر تمام انبیاء و مرسلین برتری داده است و فضیلت بعد از من برای تو و امامان بعد از تو می‌باشد... چگونه از ملائکه افضل نباشیم؟ درحالی‌که ما پیش از آنان، خداوند را شناختیم و او را تسبیح و تقدیس نموده و به یگانگی او شهادت دادیم، خداوند اول ما را خلق کرد و سپس ملائکه را، ما خداوند را تسبیح گفتیم، ملائکه نیز به پیروی از ما تسبیح گفتند، ما به وحدانیت خداوند شهادت دادیم، آنان نیز لا اله الا الله گفتند، ما به خاطر مقام و بزرگی خداوند تکبیر گفتیم، آنان نیز تکبیر گفتند، وقتی ما به خاطر نعمت‌های الهی الحمد لله گفتیم، ملائکه نیز حمد و سپاس خداوند را انجام دادند. فَبِنَا اهْتَدَوْا إِلَىٰ مَعْرِفَةِ تَوْحِيدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَسْبِيحِهِ وَ تَهْلِيلِهِ وَ تَحْمِيدِهِ وَ تَمْجِيدِهِ. پس درواقع به‌وسیله ما بود که به توحید و تسبیح و تهلیل و تحمید و تمجید الهی هدایت شدند! از این روایات به‌خوبی روشن می‌شود که نور امامان:، در عالم نور، زنده و فعال بودند و یکی از کارهای آنان تسبیح و تمجید خداوند بودن و سایر موجودات، از جمله ملائکه تسبیح و تهلیل خداوند را از امامان:، یاد گرفتند.

#### نور امامان: منشأ آفرینش دیگر مخلوقات

مرحوم شیخ صدوق «ره»، در کتاب‌های متعدد از جمله در علل الشرایع<sup>۲</sup>، عیون اخبار الرضا<sup>۳</sup>، امالی<sup>۴</sup>، کمال‌الدین و تمام النعمه<sup>۵</sup>، این مطالب را آورده است که اولین مخلوق خداوند مقام نوری امامان: است و سایر مخلوقات عالم از نور وجود ایشان آفریده شده‌اند. از جمله در کتاب علل الشرائع در باب ۱۳۹ در ضمن حدیثی از امام صادق نقل شده است که امیرالمؤمنین فرمود: «من با

۱. همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۵-۶ همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۶۳، همو، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۶.  
 ۲. همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۵.  
 ۳. همو، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲.  
 ۴. همو، الامالی، ص ۳۲۷.  
 ۵. همو، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۵۵.

احمد<sup>۹</sup> همچون نوری از نور می‌باشم، یعنی پیامبر اکرم<sup>۹</sup> نور اصلی و من نوری منشعب از آن هستم.» در همین فرمایش از امام صادق<sup>۷</sup>، آمده است، وقت ملائکه و فرشتگان آفریده شدند، با دیدن نور امامان علیهم‌السلام، به درگاه الهی عرضه داشتند: پروردگارا این نور چیست؟ خداوند تبارک و تعالی به ایشان وحی فرمود که این نوری از نور من است که اصلش نبوت و فرعش امامت است ... و اگر این دو نمی‌بودند، ابداً مخلوقات را نمی‌آفریدم.<sup>۱</sup>

شیخ صدوق «ره» در حدیث دیگر، درباره خلقت نوری امامان:، از رسول خدا<sup>۹</sup> خطاب به امام علی<sup>۷</sup> نقل نموده است که: ای علی! کسانی که عرش را حمل می‌کنند و کسانی که در اطراف آن قرار دارند به واسطه عنایت ما حمد پروردگار را به جا می‌آورند و برای مؤمنان استغفار می‌کنند. ای علی! اگر ما نبودیم خداوند آدم و حوا، جنت و نار و آسمان و زمین را نمی‌آفرید.<sup>۲</sup>

شیخ صدوق «ره» در جای دیگر تصریح کرده است بر اینکه، اعتقاد ما بر آن است که حق تعالی مجموع خلایق را به خاطر محمد<sup>۹</sup> و اهل بیت او آفریده است، اگر ایشان نبودند، خداوند آسمان‌ها، زمین، بهشت و جهنم، آدم و حوا، ملائکه و هیچ آفریده‌ای دیگر را نمی‌آفرید.<sup>۳</sup>

پس طبق روایات موجود در آثار شیخ صدوق «ره»، نور امامان:، اولین مخلوق خداوند متعال بودند که تسبیح و تهلیل الهی می‌گردند، همین نور، منشأ آفرینش دیگر مخلوقات شده‌اند و خداوند تمام مخلوقات را به یمن وجود آنان آفریده است.

### انتقال نور امامان: به عالم دنیا

پس از آنکه اثبات شد امامان:، دارای خلقت نوری هستند و نور امامان:، اولین مخلوق خداوند در عالم نور بودند که از نور خداوند منشعب شده‌اند و در آنجا مشغول تسبیح و تهلیل خداوند بودند، آنان بودند که به ملائکه و اهل آسمان، ذکر

۱. همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۲۵۴.

۳. همو، الاعتقادات، ص ۱۱۴.

خدا را آموختند و به درجه استادی فرشتگان نائل آمدند تا آنکه خداوند به یمن وجود آنان، بقیه‌ای موجودات را آفرید.

حال سؤال از آن است که نور امامان، چگونه به عالم دنیا منتقل شدند و پا به عرصه گیتی گذاشتند؟ در آثار شیخ صدوق «ره» چندین روایت وجود دارد که از نحوه انتقال، نور امامان، به عالم دنیا سخن می‌گویند.

روایات که در آثار شیخ صدوق «ره» وجود دارد، به روشنی بیان می‌کند که نور امامان: پس از خلقت نوری‌شان، به صلب حضرت آدم و سپس در نسل آن حضرت انتقال پیدا کردند.<sup>۱</sup> در روایتی آمده است که خداوند، نور امامان: را پیش از دنیا آفرید و ایشان، همچون اشباح نور در پیش روی عرش الهی مشغول تسبیح و تمجید خداوند بودند تا آنگاه که خداوند اراده کرد که صور ایشان را خلق کند، ایشان را به صورت ستون نور (عمو نور) در آورد و سپس به صلب حضرت آدم افکند «...حَتَّى إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَخْلُقَ صُورَنَا صَيْرَنَا عَمُودَ نُورٍ ثُمَّ قَدَفْنَا فِي صُلْبِ آدَمَ...» این نور از صلب او به نسل او منتقل شد و در اصلاب و ارحام طاهره، یکی پس از دیگری قرار گرفت.<sup>۲</sup> شیخ صدق تصریح می‌کند، افرادی که اصلاب و ارحامشان، حامل این نور بودند، هیچ‌گاه دچار کفر و شرک نشدند.

شیخ صدوق «ره» حدیثی از رسول خدا<sup>۹</sup> نقل نموده است که حضرت می‌فرماید: خداوند عزوجل هفت هزار سال قبل از آفرینش دنیا، من و علی و فاطمه و حسن و حسین: را آفرید. معاذبن جبل می‌گوید: عرضه داشتم: ای رسول خدا، پیش از آفرینش دنیا شما کجا بودید؟ حضرت فرمود: جلو عرش بودیم و خدای تعالی را تسبیح و ستایش می‌نمودیم، تقدیس و تمجیدش می‌کردیم، عرض کردم به چه هیئت و شکلی بودید؟ حضرت فرمودند: شب‌هایی از نور بودیم تا اینکه حق تعالی اراده کرد صورت ما را بیافریند، لذا ما را عمودی از نور قرارداد و در صلب جناب آدم قرار داد و پس از آن ما را به اصلاب پدران و ارحام مادران درآورد و ابداً نجاست، شرک و آلودگی کفر به ما نرسید، وقتی ما را

۱. همو، معانی الاخبار، ص ۵۶.

۲. همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۰۹.

به صلب عبدالمطلب وارد کرد، آن نور را بیرون آورده، دو نصف کرد، نیمی از آن را در صلب عبدالله و نیمی دیگرش را در صلب ابوطالب قرار داد، پس نصف متعلق به من را به آمنه و نصف متعلق به علی را به فاطمه دختر اسد منتقل نمود، آمنه مرا و فاطمه علی را به دنیا آوردند، بعد خداوند عزوجل عمود نور را به من برگرداند، از من فاطمه به دنیا آمد و عمود را به علی <sup>۷</sup> اعاده داد، حسن و حسین از آن حضرت متولد شدند پس آنچه از نور علی بود به فرزندان حسن و آنچه از نور من بود در اولاد حسین استقرار یافت و نور اولاد حسین در ائمه از نسل آن حضرت انتقال یافت و تا قیامت باقی می ماند! شبیه این مطلب در حدیث کسا نیز اشاره شده است.

### نتیجه گیری

از مجموع روایات که در آثار شیخ صدوق «ره»، آمده است و راجع به خلقت نوری امامان، سخن می گویند، به این نتیجه می رسیم که نور امامان، نخستین مخلوق خداوند هستند که به عنوان شبح های نور، از نور خداوند آفریده شدند و با استقرار در اطراف عرش الهی به تسبیح و تقدیس خداوند پرداختند، خلقت نوری امامان: و دیگر مخلوقات، تدریجی بودند، به گونه ای که ابتدا، نور پیامبر و سپس نور امامان، آفریده شده اند، در روایات فراوان تأکید شده است که نور امامان، منشأ آفرینش دیگر مخلوقات، از جمله ملائکه بودند، ملائکه و فرشتگان که بعد از امامان، آفریده شدند، تسبیح و تقدیس خداوند را از آنان آموختند. نور امامان، پس از خلقت حضرت آدم <sup>۷</sup> در صلب او قرار گرفت و به صورت سلسله وار، در اصلاب و ارحام پاک پدران و مادران که به شرک و کفر آلوده نشده بودند، انتقال یافتند تا آنکه در نهایت، تمام چهارده نور، از مادر متولد شدند و پا به عالم دنیا گذاشتند.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دار القلم-الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۴. -----، الاعتقادات، چاپ دوم، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۵. -----، أمالی الصدوق، چاپ پنجم، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
۶. -----، علل الشرایع، چاپ اول، قم، داوری، بی تا.
۷. -----، علل الشرایع، ترجمه هدایت الله، مسترحمی، چاپ ششم، تهران، کتاب فروشی مصطفوی، ۱۳۶۶ش.
۸. -----، عیون اخبار الرضا، چاپ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۹. -----، کمال الدین و تمام النعمه، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.
۱۰. -----، الخصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۱۱. -----، معانی الاخبار، چاپ اول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
۱۲. -----، من لایحضره الفقیه، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۳. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، چاپ دوم، قم، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۱۴ق.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، چاپ چهارم، تهران،

دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت، داراحیاء التراث

العربی، ۱۴۰۳ق.